

# غذا خوردن بیرون از خانه




 Espen Stranger-Johannessen

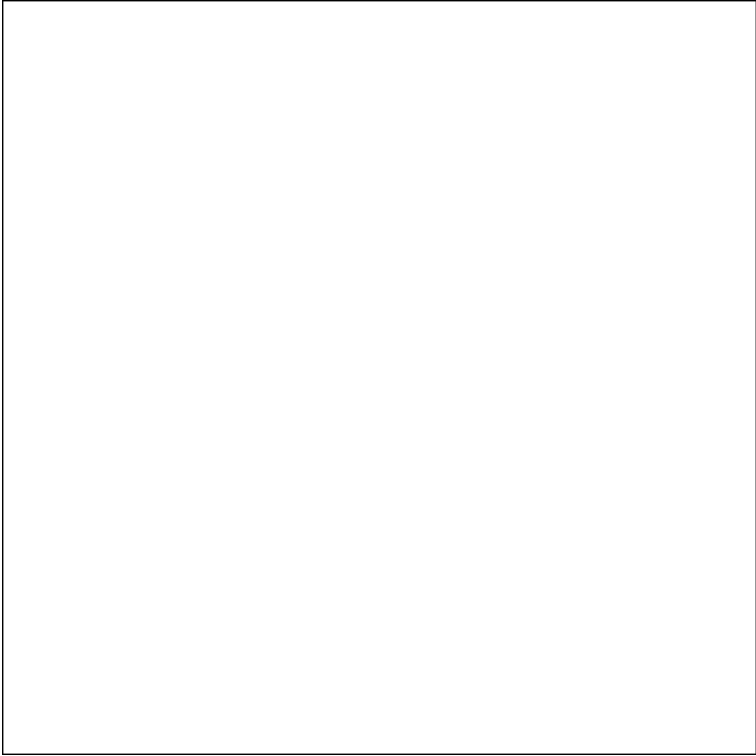
 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

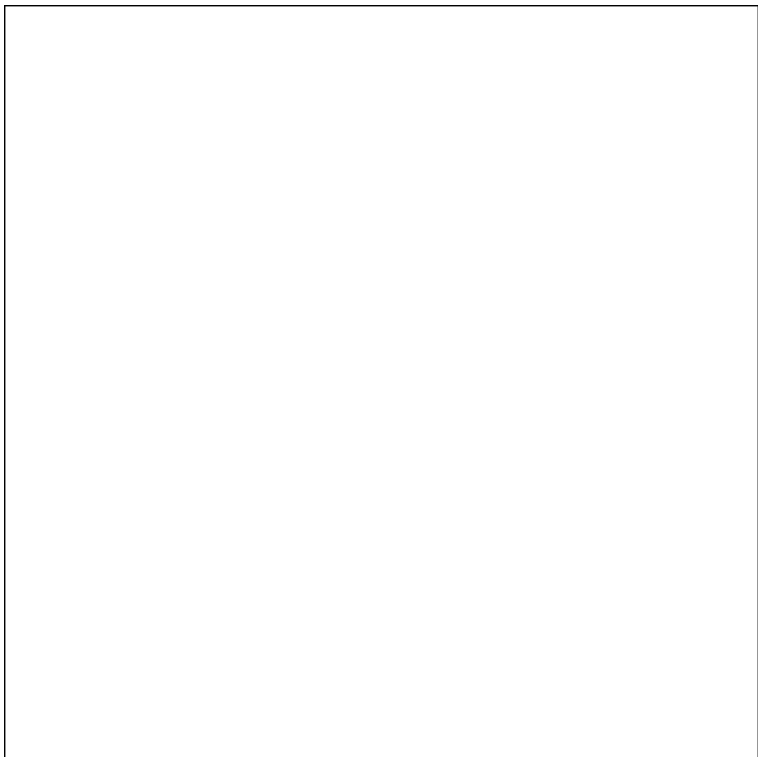
 2

 دری

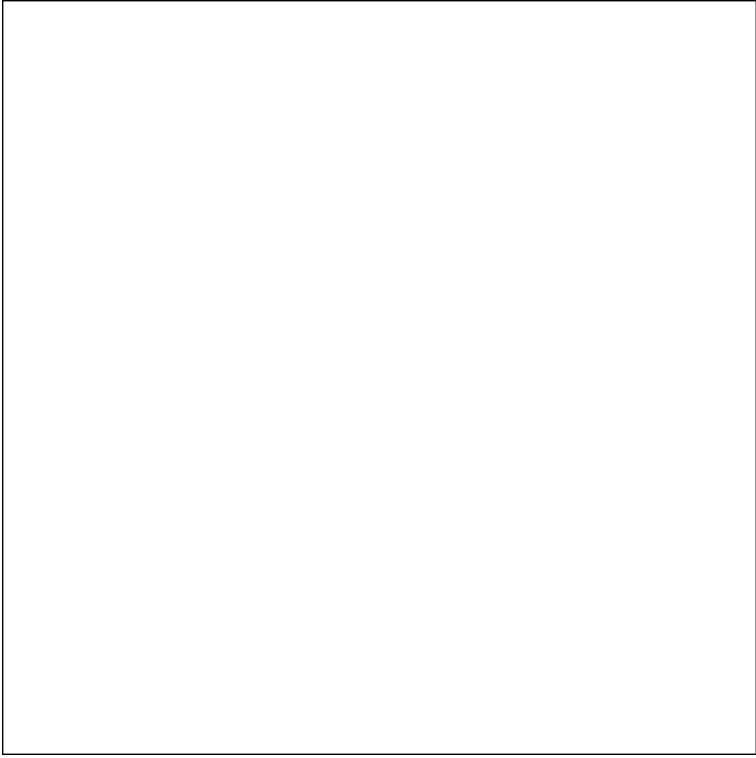
کیپ احساس به خوردن میگی را میکند.



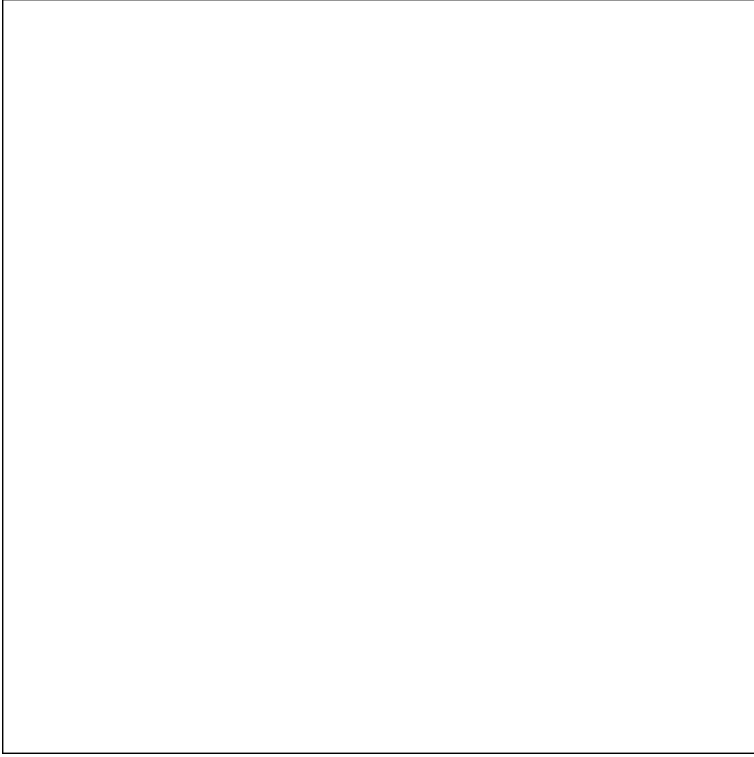
کیپ از یک رفیق خود می خواهد که همراهش شود.



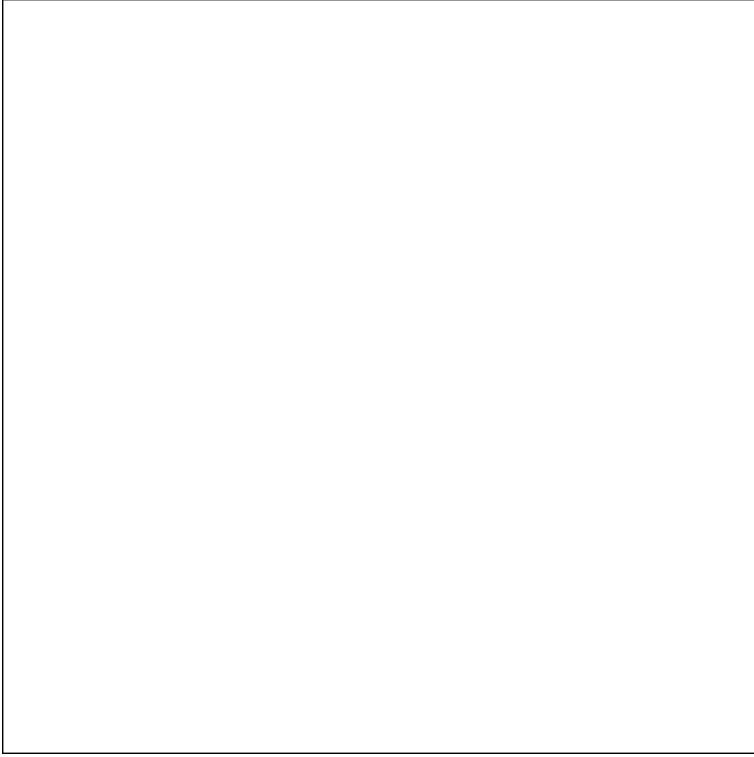
آنها پشت یک جی خوراکی می گردند.



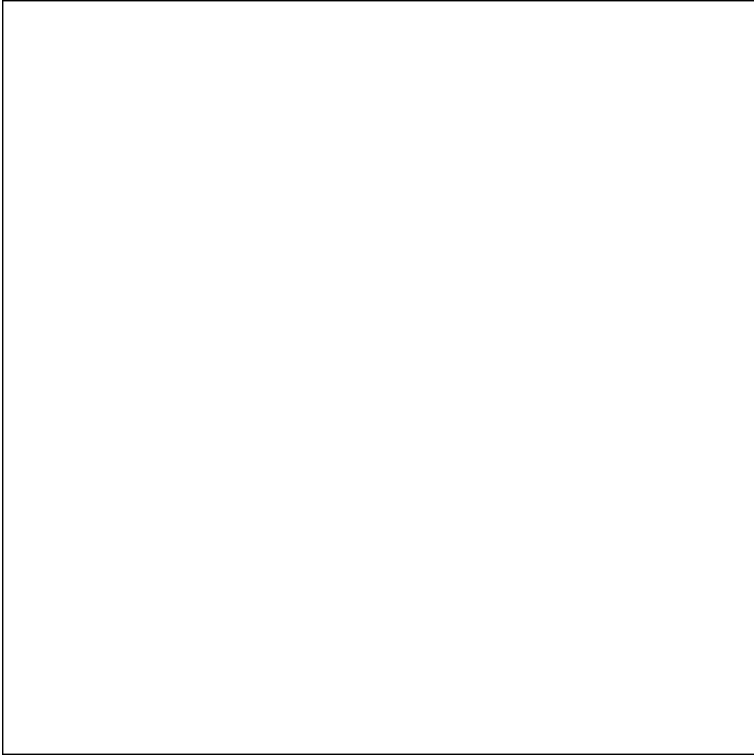
آنها چی را پیدا می کنند که میگی می فروشند.



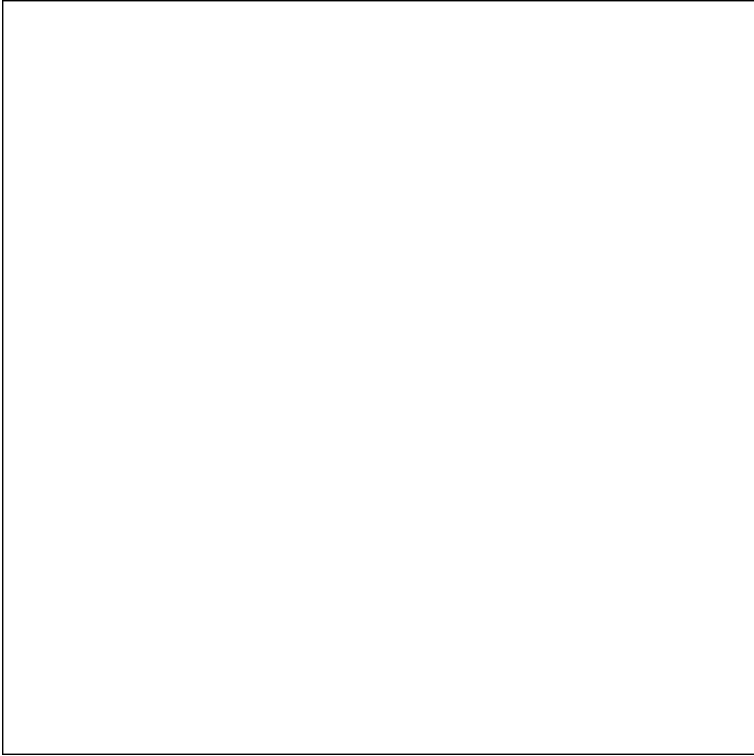
کیپ و دوستش یک میز خلی را پیدا می کنند.



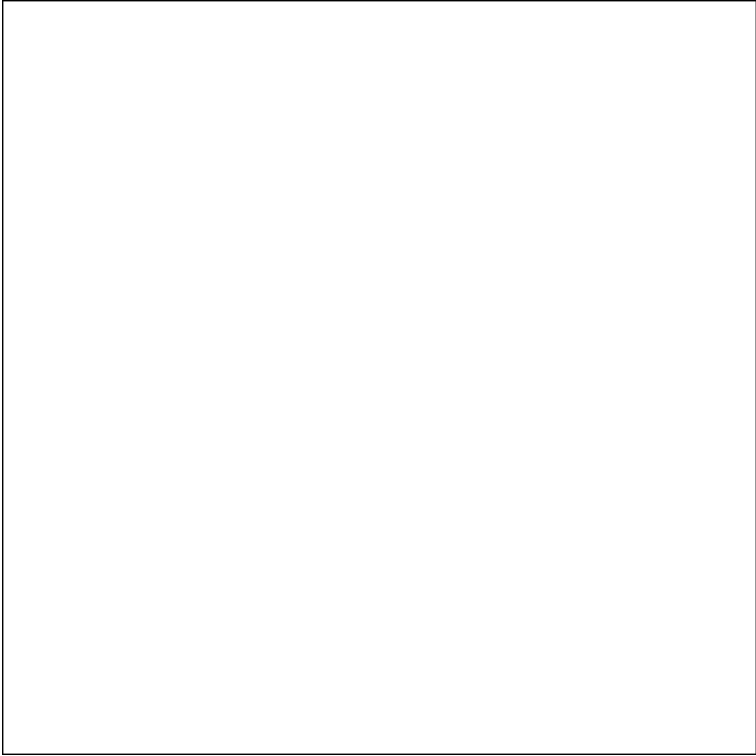
آن‌ها می‌شنین و خدمت‌گر را صدا می‌کنند.



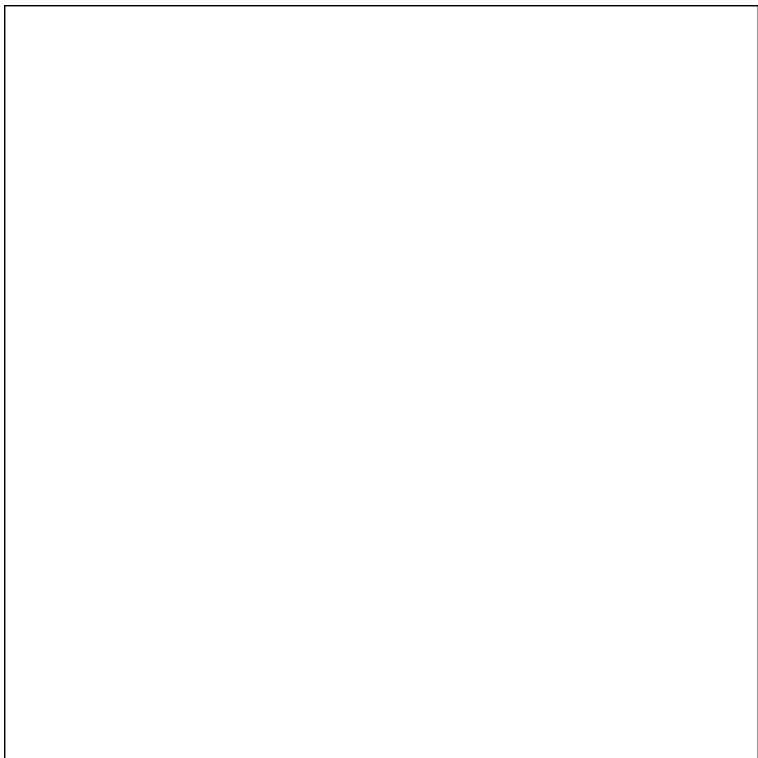
خدمتگر می آید. کپ اردر میگی را می کند.



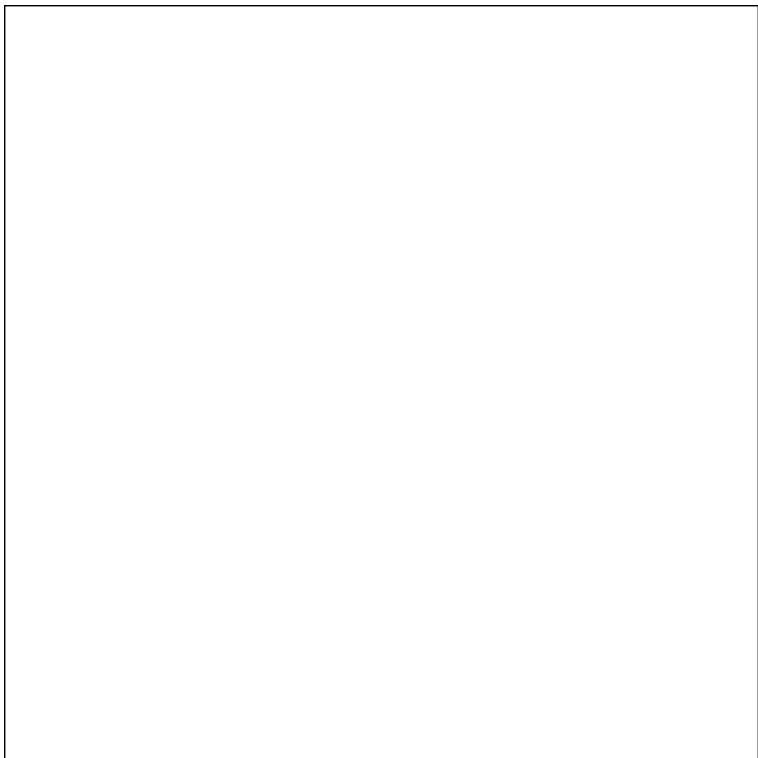
رفیق او هم فرہیش میگی را می کند.



هر دوی اینتن یک گلاس آب می گیرند.

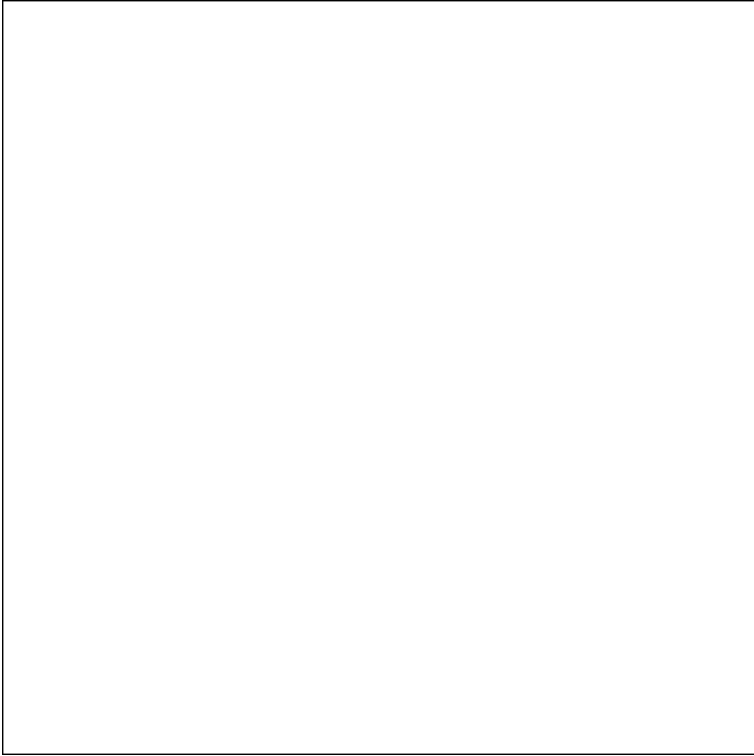


خدمتگر غذا را میبرد.

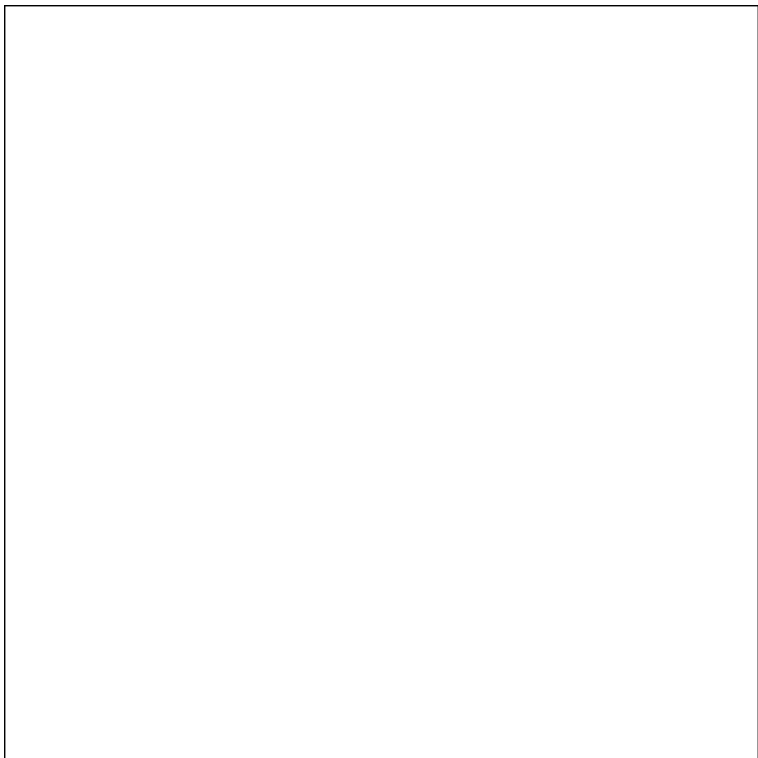


آن‌ها در میگی نمک و سرکه اضافی می کنند و میگی را شور  
میدهند.

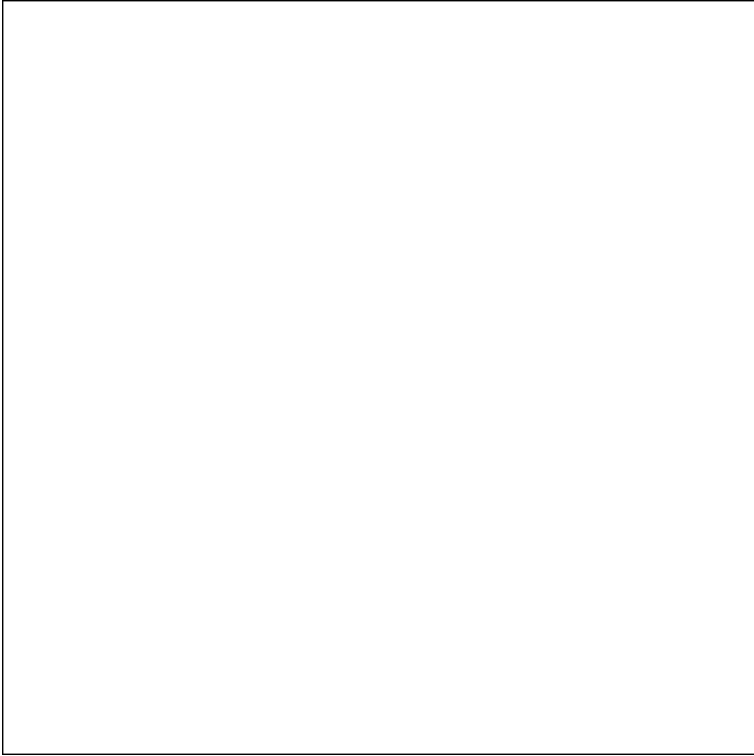
کیپ و رفیق اش میگی را می خورند. میگی بسیر لذیذ است.



او آب خود را مي نوشد.



آن‌ها بل پیسه را تحویل می کنند.





## LIDA Stories

[lidastories.net](http://lidastories.net)

غذا خوردن بیرون از خانه

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

